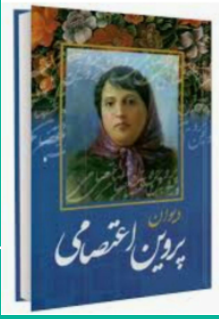


درس دوم

مست وهشیار



بی نزاکتی و رفتار قلدرانهٔ مأموران حکومتی و امنیتی

شش جمله

مأمور حکومتی اجرای احکام شرعی

مست گفت: «ای دوست، این پیراهن است آفتاب»

س

محتب مستی به روید و گریانش گرفت

شرایط بد جامعه
کنایه: گسترده‌گی فساد
گفت: «جرم راه رفتن نیست، ره، هموار نیست»

کنایه: عدم تعادل

گفت: «مستی، زان سب افغان و خیزان می روی»

غفلت مسئولان

گفت: «رو، صبح آی، قاضی نیشب بیدار نیست»

حرف اضافه
قید

گفت: «می باید تو را [تا] خانه قاضی برم»

حذف فعل، معنوی
می فروش
گفت: «والی از کجا در خانه حمار نیست؟»

فک اضافه
برویم
گفت: «نزبیکاست والی (را) سرای، آن جا شویم»

غیراسنادی

بی اطلاعی مأموران از مسائل دینی یا بی احترامی به آن
گفت: «مجد خوابگاه مردم بدکار نیست»

غیر اسنادی

نگهبان، شبگرد
گفت: «تا داروغه را کویم، در مسجد بخواب»

مجاز: پول، رشوه
گفت: «کار شرع، کار درهم و دینار نیست»

رشوه خواری مأموران حکومت
گفت: «دیناری بده پنهان و خود را واربان»

کنایه: کهنه و پوسیده
فقر جامعه
گفت: «پوسیده است، جگر نقشی ز پود و تار نیست»

زورگویی، غارت
تاوان، جبران خسارت
گفت: «از بهر غرامت، جامه ات بیرون کنم»

مهم بودن باطن نه ظاهر
گفت: «در سر غسل باید، بی کلاه عاریت!»

مضاف الیه
گفت: «آگه نیستی کز سر در افتاد کلاه»

گفت: «ای بیهوده گو، حرف کم و بسیار نیست!»

کنایه: بی آبرو و اعتبار شدن
گفت: «می بسیار خورمی، زان چنین بی خود شدی»

مجاز: سخن
گفت: «هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست!»

نوعی مجازات شرعی
گفت: «باید حد زنده هشیار مردم، مست را»

غفلت و فساد عمومی

ترکیب وصفی مقلوب

دیوان اشعار، پروین اعتصامی

دینار: سکه طلا

درهم: سکه نقره

خانه حمار: میخانه

● پروین پرآوازه ترین شاعر زن ایرانی است و در سرودن اشعار به شیوهٔ مناظره مشهور است

● لحن: روایی، طنزآمیز، رندانه - در بیان محتسب قلدرانه

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

- ۱ معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید. **کیفر و مجازات شرعی**
- گر بدین حال تو را محتسب اندر بازار ببند، بگیرد و حد زند. **مأمور حکومتی رسیدگی به اجرای احکام شرعی**
- از بهر تو صدبار ملامت بکشم گر بشکنم این عهد، غرامت بکشم مولوی **تاوان، جبران خسارت مالی و غیر آن**
- ۲ فعل‌های مشخص شده را از نظر کاربرد معنایی بررسی کنید. **برویم، غیر اسنادی**
- گفت: «نزدیک است والی راسرای، آن جا شویم» گفت: «والی از کجا در خانهٔ خمار نیست؟» **حضور ندارد؟ - غیر اسنادی**
- زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست در حق ما هرچه گوید جای هیچ اکراه نیست **نمی باشد، اسنادی** وجود ندارد، غیر اسنادی حافظ
- ریشه‌های ما به آب / شاخه‌های ما به آفتاب می‌رسد / ما دوباره سبز می‌شویم **مسنند** قیصر امین پور **اسنادی**

قلمرو ادبی

- ۱ سرودهٔ زیر را از نظر شیوهٔ گفت و گو، با متن درس مقایسه کنید؛ سپس بنویسید این نوع گفت و گو در اصطلاح ادبی چه نام دارد؟

بگفت از دار مُلکِ آشنایی	نخستین بار گفتش کز کجایی؟
بگفت آنده خرنند و جان فروشند	بگفت آن جا به صنعت در چه کوشند؟
بگفت از عشق بازان این عجب نیست	بگفتا جان فروشی در ادب نیست
بگفت از دل تو می‌گویی، من از جان	بگفت از دل شدی عاشق بدین سان؟
بگفت آن گه که باشم خفته در خاک	بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟
بگفت این، کی کند بیچاره فرهاد؟	بگفت او آن من شد زو مکن یاد

هر دو به شیوهٔ سوال و جواب هستند که در اصطلاح ادبی به آن مناظره می‌گویند.

محتوای شعر پروین، اجتماعی و محتوای شعر نظامی عاشقانه است.

در هر دو شعر فساد حکومتیان با بیانی طنز آمیز و طعنه آمیز، طرح و سرزنش شده است؛ اما بیان حافظ زیرکانه تر و محتاطانه تر است.

چو عاجز گشت خسرو در جوابش نیامد بیش پرسیدن صوابش
به یاران گفت کز خاکی و آبی ندیدم کس بدین حاضر جوابی
نظامی

۲ متن درس از نظر شیوه بیان (جد - طنز) با این سروده حافظ چه وجه اشتراکی دارد؟

با محتسب عیب مگویند که او نیز پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است ایهام
مضاف الیه عیب: مفعول همیشه، پیوسته شراب، می

قلمرو فکری

۱ هر یک از مصراع‌های زیر، به کدام پدیده اجتماعی زمان شاعر اشاره دارد؟

- گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان» (..... رشوه خواری)
- گفت: «جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست.» نابسامانی و گستره فساد در جامعه

۲ در هر یک از بیت‌های زیر، بر چه موضوعی تأکید شده است؟

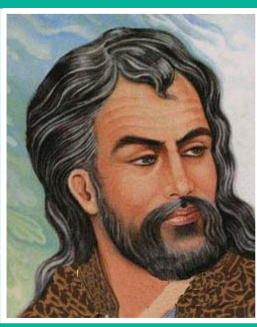
بیت هشتم	ارزش وجودی انسان به ویژگی‌های باطنی و خرد اوست نه ظاهر. (برتری عقل بر ظاهر)
بیت نهم	پرهیز از گناه و کار حرام، گناه و عمل حرام نباید انجام شود، کم و زیادش مهم نیست.

۳ درباره ارتباط موضوعی متن درس با هر یک از بیت‌های زیر توضیح دهید.

- دور شو از برم‌ای واعظ و بیهوده مگوی من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم حافظ
- گفت مست: «ای محتسب، بگذار و رو از برهنه کی توان بردن گرو؟» مولوی

۴ متن درس و این بیت، هر دو، بر وجود مفاسد اجتماعی در میان عاملان حکومت اشاره دارد؛ مفاسدی مثل: رشوه خواری، غارت و چپاول، زورگیری و فقر.

متن درس و این شعر، هر دو، بر ریاکاری و تزویر موعظه‌گران اشاره دارد و این که جامعه متوجه این نفاق هست و از آن رنج می‌برد.



قالب: غزل

نوع ادبی: تعلیمی - غنایی

وزن: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن

شعرخوانی در مکتب حقایق

دعوت و تشویق به کسب علم، معرفت و آگاهی

تأکید بر داشتن هدایتگری آگاه

کنایه: آگاه شدن

پنج جمله ۱ ای بی خبر، بکوش که صاحب خبر شوی

ب
ر

عارف کامل، پخته و باتجربه

تا راهرو نباشی، کی راهبر شوی؟
مان ای پسر، بکوش که روزی پدر شوی

سالک، خام و بی تجربه

آموزگار عشق

چهار جمله در مکتب حقایق پیش ادیب عشق

ترک وابستگی و تعلق، موجب کمال است

عارفان

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی

کنایه: رها کردن

عشق تعالی بخش است کنایه: ارزشمندی

تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی

آن که رسی به خویش که بی خواب و خور شوی

درک ارزش واقعی خود کنایه: ترک تعلقات

خ

توجه به معنویات
ترک لذت های مادی
مفعول
مجاز
خواب و خورت ز مرتبه خویش دور کرد

بالله کز آفتاب فلک خوبر شوی

۵ گر نور عشق حق به دل و جانست او فتد

مجاز: تمام وجود

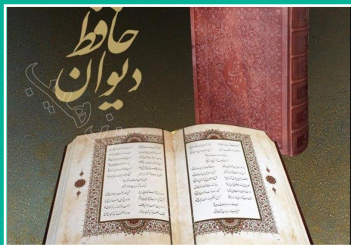
اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

عشق کمال آفرین است و موجب عزت و ارزشمندی

مس: نماد کم ارزش بودن

طلا: نماد باارزش بودن، ارزش زیاد





عشق نجات دهنده است و انسان را حفظ می کند

مجاز: مقدار بسیار کم

مجاز: کل جهان
 کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی

کنایه: آلوده شدن، آسیب دیدن

در راه ذوا بجلال چو بی پای و سر شوی

کنایه: فانی و فدا شدن

از خود گذشتن و فانی شدن، لازمه بقا و رسیدن به خداوند است

زین پس کشتی نماد که صاحب نظر شوی

کنایه: آگاه شده

وجه خدا اگر شودت منظر نظر اشتقاق

مضاف الیه نظر

کنایه: نگران نباش

در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی

کنایه: متحول شدن
 تغییرات شدید و بنیادی

بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود

عشق الهی تحول مثبت ایجاد می کند

باید که خاک در که اهل هنر شوی

کنایه: فروتنی، تواضع

اگر در سرت هوای وصال است، حافظا

مجاز: میل، آرزو

یاری گرفتن از اهل فضل و عرفان و تواضع در برابر آنها

برای درک حقیقت و رسیدن به معبود

حافظ

روی آوردن به خداوند و تأمل در معارف الهی،

موجب بصیرت و آگاهی عمیق می شود.

قرن هشتم

تلفیق عشق و عرفان

درک و دریافت

۱ برای خوانش این شعر، چه نوع آهنگ و لحنی را برمی گزینید؟ دلیل خود را بنویسید.

۲ مفهوم مشترک هر یک از گروه بیت‌های زیر را بیان کنید.

الف) بیت‌های سوم و پنجم (..... عشق تعالی بخش و کمال آفرین است.)

ب) بیت‌های ششم و نهم (عشق در عین ویرانگری و سختی، مصونیت بخش است.)

نزدیکی جستن به خداوند و توکل به او، تحول مثبت ایجاد می کند
 و انسان را از همه سختی‌ها و پلیدی‌ها حفظ می نماید.

به بیانی دیگر: